

رویکرد حقوق بین‌الملل در خصوص تبلیغات خصمانه برای جنگ (پروپاگاندا)

در شرایط حاضر، کسی نمی‌تواند بدون حمایت نظر عمومی، جنگ به راه بیندازد که آن هم به طرز حیرت‌انگیزی به وسیله مطبوعات و انواع تبلیغات خصمانه دست‌کاری می‌شود.^۱
داگلاس مک آرتور

ریحانه ریخته‌گر برنجی^۲، عباسعلی کدخدایی^۳*

چکیده

به دنبال توسعه فناوری‌های ارتباطی، کشورها به تدریج متوجه نقش مافوق تصور تبلیغات در جهت دادن به افکار افراد در برابر مناسبات جهانی شدند. از همین رو در طول تاریخ، کشورها و افراد اقدام به انتشار تبلیغات خصمانه یا پروپاگاندا^۴ کردند تا جهانیان را به ضروری یا بشردوستانه بودن اقدامات خصمانه خود متقاعد سازند. در همین خصوص، به‌طور ویژه از تبلیغات خصمانه برای تحریک به مخاصمه مسلحانه به مراتب استفاده شده است که نمونه‌های آن را در تجاوز آمریکا به عراق، قضیه اوکراین و تبلیغات گروهک تروریستی داعش شاهد بودیم. هدف از این مقاله، تبیین ابعاد و جایگاه تبلیغات خصمانه برای جنگ در حقوق بین‌الملل به روش تحلیلی-توصیفی است. بررسی قواعد و مقررات حقوق بین‌الملل نشان می‌دهد که برخلاف تصور عموم، تبلیغات خصمانه در عرصه حقوق بین‌الملل، بارها مورد اشاره قرار گرفته و محکوم شده است. مهم‌ترین نمونه آن در بند ۱ ماده ۲۰ میثاق حقوق مدنی و سیاسی به چشم می‌خورد. در همین زمینه، رویه قضایی و قطعنامه‌های سازمان‌های بین‌المللی نیز شاهد این مدعاست. به سبب اهمیت مقابله با این فرایند رو به رشد، لازم است رویکرد حقوق بین‌الملل در خصوص تبلیغات خصمانه برای جنگ به تفصیل بررسی شود.

کلیدواژگان

آزادی بیان، تبلیغات خصمانه، حقوق بین‌الملل، میثاق حقوق مدنی و سیاسی، مخاصمه مسلحانه.

1. "One cannot wage war under present conditions without the support of public opinion, which is tremendously molded by the press and other forms of propaganda." By: Douglas MacArthur
At: <http://www.brainyquote.com> , Last Visit: 25/6/2015

۲. دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
Email: r.rikhtegat@gmail.com

۳. استاد، گروه حقوق عمومی و بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول).
Email: kadkhoda@ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۵/۱۰، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۸/۲۶

4. Propaganda

مقدمه

در بامداد روز بیستم مارس ۲۰۰۳ جهان در حالی چشم گشود که خبر تکان‌دهنده حمله آمریکا به عراق تیتراژ اول صفحات خبری را پوشش می‌داد؛ اما آنچه به‌راستی تکان‌دهنده بود، آسایش خاطر و تأیید بسیاری از مردم جهان در برابر یکی از ناپسندترین اعمال تاریخ بشریت، یعنی همان جنگ بود.

نیروهای آمریکایی و انگلیسی به‌سرعت پیش می‌رفتند و گزارشگران بین‌المللی پایه‌پای آنها جهان در تب‌وتاب را از آخرین رشته عملیات معروف به *آزادسازی* مطلع می‌کردند. مردم سراسر دنیا منتظر خبری بودند که آنها را مشتاق تسخیر هرچه زودتر عراق کرده بود؛ اما روزها سپری شد و انتظاری بی‌حاصل ماند. هیچ سلاح کشتار جمعی در هیچ‌یک از شهرهای عراق یافت نشد! اذهان عمومی مات این فریبکاری جهانی مانده بود. این تنها یکی از شناخته‌شده‌ترین نمونه‌های اخیر انتشار تبلیغات خصمانه برای اشاعه جنگ بود.

ممنوعیت مخاصمه مسلحانه سال‌هاست که در حقوق بین‌الملل به رسمیت شناخته شده، اما آنچه کمتر در نظر گرفته می‌شود، بسترهای ایجاد اختلاف و جنگ است. در واقع، با به‌کارگیری ماهرانه رسانه‌های جمعی با هدف تأثیر بر اذهان عمومی، می‌توان جهانیان را به بشردوستانه بودن عملی تجاوزکارانه قانع کرد یا آنان را به شرکت در چنین عملی ترغیب نمود. همین مسئله اهمیت مقابله با تبلیغات خصمانه را تا حد مقابله با مخاصمه مسلحانه بالا می‌برد. البته نکته ظریفی که از نظر برخی نویسندگان به دور مانده، تفکیک تبلیغات خصمانه برای جنگ^۱ و تبلیغات خصمانه جنگی^۲ است که اولی به زمان پیش از جنگ و مورد دوم، مربوط به زمان مخاصمه مسلحانه است که در حوزه حقوق بشردوستانه قرار گرفته و از موضوع این مقاله، خارج است.

این مقاله در پاسخ به این پرسش که رویکرد حقوق بین‌الملل نسبت به تبلیغات خصمانه برای جنگ چیست، سعی بر اثبات این فرضیه دارد که حقوق بین‌الملل در عرصه انتشار تبلیغات خصمانه برای جنگ، اقدام به وضع مقررات لازم‌الاجرا کرده و به‌صراحت آن را ممنوع کرده است. چنین محکومیتی به هیچ‌عنوان با احترام به حق آزادی بیان در تعارض نیست.

هدف از این پژوهش، تبیین ابعاد و جایگاه تبلیغات خصمانه برای جنگ در حقوق بین‌الملل به شیوه تحلیلی-توصیفی است و از آنجا که مطالعات زیادی در این زمینه صورت نگرفته، این موضوع، جدید و قابل بررسی علمی است. از این‌رو مقاله حاضر در سه فصل، به مباحث مربوط به مفهوم تبلیغات خصمانه، رابطه تبلیغات خصمانه و آزادی بیان و تبلیغات خصمانه برای جنگ در حقوق بین‌الملل می‌پردازد.

1. Propaganda for war

2. War Propaganda or Propaganda during war

مفهوم تبلیغات خصمانه

۱. مفهوم عام تبلیغات خصمانه

برای واژه پروپاگاندا به‌عنوان یک واژه لاتین، معادل‌هایی شامل «تبلیغات»، «تبلیغات سیاسی»^۱ و حتی «جنگ روانی یا رسانه‌ای» پیشنهاد شده است؛ اما واقعیت آن است که پیچیدگی این اصطلاح، مجالی برای معادل‌سازی دقیق آن، حداقل در مطالب تخصصی، باقی نمی‌گذارد. از همین رو، نگارنده سعی کرده با توجه به معنای تخصصی آن در این حوزه، معادلی مناسب‌تر برگزیند. از همین رو از واژه «تبلیغات خصمانه» استفاده شد.

ریشه کلمه «پروپاگاندا» از واژه لاتین «پروپاگاره»^۲ مشتق شده است. کلمه پروپاگاره، به معنای «پخش کردن»، «نشأ کردن» و «چیزی را شناساندن» است که در واقع سه مرحله کاشت، داشت و برداشت را نشان می‌دهد (محسنیان راد، ۱۳۸۴: ۳۲۴). اما معنای دقیق لغوی پروپاگاندا عبارت است از «منتشر ساختن»^۳ یا «ترویج کردن»^۴ پاره‌ای از افکار و دیدگاه‌ها. براساس این نظر هدف از این کار، تقویت، جایگزین کردن یا تعدیل گرایش‌ها و رفتارهای گروهی از مخاطبان است (Jowett, 2012: 267). البته در طول زمان مفهوم این لغت با تحولاتی روبه‌رو شد. اگرچه در ابتدای امر، این واژه از مفهومی خنثی برخوردار بود، پس از به‌کارگیری این تکنیک توسط آلمان نازی و شوروی کمونیستی، «تا اندازه زیادی در نتیجه زیاده‌روی‌های انجام‌گرفته در دوران جنگ جهانی اول، معنایی منفی یافت» (ایزدی، ۱۳۹۰: ۱۸). از همین رو پس از آن، تعریف این واژه در نوشته‌ها، از بار منفی برخوردار شد.

تعریف پروپاگاندا در دائرةالمعارف بریتانیکا چنین آمده است: «انتشار اطلاعات -واقعیات-، مشاجره‌ها، شایعات، نیمه‌واقعیات یا دروغ‌ها- با هدف تأثیرگذاری بر افکار عمومی»^۵. در این زمینه، اغلب اوقات، واقعیات به‌صورت گزینشی بیان و بازنمایی می‌شوند تا شاهد واکنش و رفتاری احساسی و نه آگاهانه و خردمندانه از سوی مخاطب باشیم. نتیجه این امر، تغییر گرایش دلخواه به‌سوی هدفی است که برای مخاطب و به‌منظور پیشبرد یک برنامه سیاسی، در نظر گرفته شده است.

تعریف تبلیغات خصمانه همیشه با دشواری‌هایی همراه بوده است. علت این دشواری از آن روست که اصولاً پروپاگاندا نیست‌ها یا تبلیغات‌گرها تلاش می‌کنند عمل خود را صرف تبلیغ، نمایش دهند و عمل تبلیغاتی گروه مخالف را تهاجم تبلیغاتی یا پروپاگاندا معرفی کنند. در

۱. معادل برگزیده «فرهنگستان زبان و ادب فارسی ایران»؛ ر.ک: <http://www.persianacademy.ir>

2. Propagare

3. Disseminate

4. Promote

5. Encyclopedia Britannica: <http://global.britannica.com/EBchecked/topic/478875/propaganda>

Last visit : 8/7/2015

همین خصوص، گرث جوت و ویکتوریا اودونل^۱، به‌عنوان اولین محققانی که به‌طور جدی تحقیقات خود را در این زمینه دنبال کردند، به یک تعریف کاربردی از این اصطلاح رسیده‌اند: «تبلیغات خصمانه تلاشی عامدانه و نظام‌مند است برای شکل دادن به فهم و درک انسان، دست‌کاری برداشت او و هدایت رفتار به قصد دستیابی به واکنشی در راستای هدف مطلوب تبلیغات‌گر» (Jowett, 2012: 269). از آنجا که اساس تبلیغات خصمانه در این تعریف، عامدانه بودن هدف آن است، باید به‌منظور تشخیص این‌گونه تبلیغات، تحقیقات گسترده‌ای برای تعیین هدف اصلی آن صورت گیرد. هدف تبلیغات خصمانه اغلب کسب پذیرش عمومی برای ایدئولوژی مطلوب تبلیغات‌گر به‌شمار می‌رود^۲ (Jowett, 2012: 269).

پروفسور مولانا در تلاش برای تشریح تحول اهداف تبلیغات در طول زمان، تصریح می‌کند: «هدف پروپاگاندا (تبلیغات خصمانه) دیگر تغییر دادن تبعیت مردمان از یک دکترین معین نیست. پروپاگاندا معمولاً آگاهی مخاطبان را کانون توجه قرار نمی‌دهد؛ چراکه اقناع فکری هم درازمدت است و هم غیرقطعی، و بردن مخاطب به سمت کنش از این طریق، سخت‌تر نیز است. در عوض، پروپاگاندا می‌کوشد مخاطب را وادارد تا به‌گونه‌ای غیرعقلانی به فرایندی از کنش دست یازد، زیرا به‌محض اینکه کنش صورت پذیرفت، تأثیر پروپاگاندا قطعی و برگشت‌ناپذیر می‌شود» (Mowlana, 1997:20).

با توجه به این توضیحات، زمان آن فرا رسیده که مفهوم حقوقی اصطلاح تبلیغات خصمانه بررسی شود.

۲. مفهوم حقوقی تبلیغات خصمانه

حالا که از تحولات مفهوم این اصطلاح آگاه شدیم، در اولین اقدام، لازم است به فرهنگ لغت حقوقی بلک مراجعه کنیم. این فرهنگ لغت، پروپاگاندا یا تبلیغات خصمانه را چنین تعریف می‌کند: «انتشار نظام‌مند یک دکترین، شایعه یا اطلاعات گزینش‌شده برای ارتقا یا رواج دکترینی خاص یا نظر یا موضوع یا ایده‌ها و اطلاعات منتشرشده» (Black's Law Dictionary, 1384: 1252). این تعریف شامل دامنه گسترده‌ای از ارتباطات می‌شود که ممکن است به‌نحو قانونی از طرف دولت یا افراد پخش شده باشد. البته چنین تعریفی به‌دلیل گسترده بودن بیش

1. Garth Jowett & Victoria O'Donnell

این دو محقق با نگارش کتاب *Propaganda and Persuasion* یا «تبلیغات خصمانه و اقناع»، از اولین محققانی‌اند که اثرشان سنگ بنایی برای آغاز پژوهش در زمینه تبلیغات خصمانه در عرصه حقوق بین‌الملل بنا نهاد؛ از همین رو، به‌مراتب مورد ارجاع نویسندگان در این حوزه قرار می‌گیرند.

۲. در تأیید اهمیت این سخن می‌توان به سخن تبلیغات‌گر نازی، جوزف گابلز^۲ اشاره کرد که معتقد است تبلیغات خصمانه هیچ روش معینی ندارد و تنها یک هدف دارد؛ پیروزی و غلبه بر عموم.

از حد آن، مبنای مناسبی برای این تحقیق نیست، چراکه هدف ما بررسی تبلیغات خصمانه ممنوع براساس حقوق بین‌الملل است.

تبلیغات خصمانه ممنوع طبق حقوق بین‌الملل به سه دسته شناخته شده کلی تقسیم می‌شود: ۱. تبلیغات توهین‌آمیز^۱، ۲. تبلیغات براندازانه^۲ و ۳. تبلیغات برای جنگ تجاوزکارانه^۳.

در مرحله اول، تبلیغات توهین‌آمیز شامل ارتباطاتی می‌شود که به «بی‌حرمتی، هتاک و توهین» به کشورهای خارجی، نهادهای آنها، رهبران‌شان یا دیگر مأموران، به قصد برهم زدن روابط دوستانه بین کشورها بینجامد.

در دسته دوم، تبلیغات براندازانه^۴، ارتباطاتی را در برمی‌گیرد که با هدف براندازی رهبر سیاسی یا نظم سیاسی داخلی موجود صورت گیرد. به عبارت دیگر، حجمی از تبلیغات که توسط یک کشور خارجی در حمایت از گروه‌های شورشی و جدایی طلب در کشوری دیگر، افراد آن دولت را هدف قرار می‌دهد (Smith, 2010:4). چنین تبلیغاتی اغلب اقلیت‌های قومی یا دینی را به شورش علیه دولتشان تحریک می‌کند. نگرانی‌ها در خصوص این نوع تبلیغات حتی از تبلیغات خصمانه برای جنگ نیز باسابقه‌تر است. دلیل این موضوع را شاید بتوان در این دانست که جنگ از ابتدای تاریخ بشر ممنوع محسوب نمی‌شد؛ این در حالی است که از زمان ظهور حقوق بین‌الملل، هر تلاشی توسط نیروی بیگانه برای کمک به براندازی دولت یک کشور دوست، همیشه محکوم شده است^۵ (Larson, 1996: 445).

با وجود اهمیت این بحث، تبلیغات توهین‌آمیز و براندازانه چندان در حقوق بین‌الملل مورد بحث واقع نشده‌اند. به همین ترتیب، دسته سوم تبلیغات خصمانه که مهم‌ترین و مورد بحث‌ترین نوع این تبلیغات در عصر کنونی است، مطرح شد؛ تبلیغات خصمانه یا تحریک به جنگ تجاوزکارانه. تبلیغات خصمانه برای جنگ نوعاً به وسیله استفاده از تنفر، ترس، خشم، میل به انتقام و القا کردن میل شدیدی برای خدمت به یک هدف سیاسی، دینی یا اخلاقی، یا از طریق قول افتخار یا سایر جوایز صورت می‌گیرد. نماینده مطبوعات شوروی در سمینار ۱۹۶۶ در واشنگتن، تبلیغات خصمانه برای جنگ را «تحریک به جنگ بین کشورها و ... ابزاری برای آماده‌سازی برای جنگ تجاوزکارانه» تعریف می‌کند (Bobrakov, 1966: 473). مشروعیت این

1. Defamatory Propaganda
2. Subversive Propaganda
3. Propaganda to Aggressive War

۴. این تبلیغات گاهی «تبلیغات خصمانه انقلابی» نیز خوانده می‌شود.

۵. در حقیقت، غیرقانونی بودن انواع تبلیغات خصمانه از اصل عدم مداخله در امور داخلی دیگر کشورها سرچشمه می‌گیرد که مفهومی سازگار با اصول حقوقی دفاع از خود، تمامیت ارضی و حاکمیت است که در نظام وستفالیایی رایج شد. چنین تبلیغاتی می‌تواند حیات یک کشور را تهدید کند.

سه نوع تبلیغات خصمانه در عرصه حقوق بین‌الملل مورد قانونگذاری قرار گرفته که در قسمت‌های بعد قواعد مربوط به تبلیغات خصمانه برای جنگ بررسی می‌شود. در نهایت، با آنکه اصطلاح تبلیغات خصمانه یا پروپاگاندا به‌طور دقیق در اسناد بین‌المللی تعریف نشده است، این امر مانع از بررسی عملکرد آن و البته اصول حاکم بر آن نمی‌شود. از همین رو، می‌توان گفت که به این اصطلاح شاید نتوان تعریفی جهانی اختصاص داد، اما با تحقیق و تدبر بیشتر، می‌توان مضمونی موقعیتی برای آن در نظر گرفت (Smith, 2010: 4). پس از آشنایی با اصطلاح تبلیغات خصمانه، پیش از هر چیز لازم است به این مسئله پرداخته شود که آیا ممنوعیت انتشار چنین تبلیغاتی، با حق آزادی بیان در تعارض نیست؟ چالشی که پژوهشگران و قضات بین‌المللی با آن بیش از هر چیز درگیرند. مبحثی که در ادامه می‌آید، به‌روشنی موضع نهایی حقوق بین‌الملل را مشخص می‌کند.

رابطه تبلیغات خصمانه و آزادی بیان

۱. حق آزادی بیان

حق آزادی بیان در ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر، که مهم‌ترین سند بین‌المللی جهانی و اولین دستاورد کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد به‌شمار می‌رود، تصریح شده است.^۱ این ماده به حق آزادی در چند حوزه اشاره کرده است: «آزادی عقیده، بیان، جست‌وجو، دریافت و انتقال اطلاعات و عقاید از طریق هر نوع رسانه». اعلامیه جهانی حقوق بشر، اگرچه در ظاهر به‌صورت یک اعلامیه تصویب شده، با توجه به تکرار آن در اسناد بین‌المللی بعدی حقوق بشر و نیز تأکید بر اهمیت آن در بسیاری از قطعنامه‌های حقوق بشری صادرشده توسط مجمع عمومی ملل متحد و کمیسیون حقوق بشر، مفاد آن آشکارا جنبه حقوق بین‌الملل عرفی یافته است. همچنین بند ۱ ماده ۱۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی در مورد آزادی عقیده اشعار می‌دارد: «هر کس از حق آزادی عقیده و بیان بدون هیچ‌گونه مداخله‌ای برخوردار می‌باشد». براساس تفاسیر کلی کمیته حقوق بشر سازمان ملل، «این حقی است که میثاق در رابطه با آن هیچ استثنا یا محدودیتی را نمی‌پذیرد» (HRI/GEN/1/Rev.9, 1983, Vol.I). از سوی دیگر، بند ۲ این ماده در مورد آزادی بیان تصریح می‌کند: «هر کس حق آزادی بیان دارد. این حق شامل آزادی تفحص و تحصیل و اشاعه اطلاعات و افکار از هر قبیل بدون توجه به مرزها، خواه شفاهی یا به‌صورت نوشته یا چاپ یا به‌صورت هنری یا به هر وسیله دیگر به انتخاب خود است».

۱. این ماده مقرر می‌دارد: «هر کس حق آزادی عقیده و بیان دارد و حق مزبور شامل آن است که از داشتن عقاید خود بیم و اضطرابی نداشته باشد و در کسب اطلاعات و افکار و در دریافت و انتشار آن به تمام وسایل ممکن و بدون ملاحظات مرزی، آزاد باشد».

حق آزادی بیان در ماده ۱۰ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر مصوب ۴ نوامبر ۱۹۵۰ رُم، در ماده ۱۴ اعلامیه آمریکایی حقوق و تکالیف بشر مصوب ۱۹۴۸، در ماده ۱۳ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر مصوب ۱۹۶۹، در ماده ۹ منشور آفریقایی حقوق بشر و مردم مصوب ۲۶ ژوئن ۱۹۸۱ و در ماده ۲۲ اعلامیه اسلامی حقوق بشر (معروف به اعلامیه قاهره) مصوب ۱۹۹۰ نیز تصریح شده است. اما سؤال اصلی این است که آیا بین حق آزادی بیان و ممنوعیت تبلیغات خصمانه برای جنگ، تعارضی وجود دارد؟

۲. استثنائات حق آزادی بیان

با آنکه ماده ۱۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر، از بیان استثنا برای این حق، خودداری کرده است، نویسندگان اعلامیه هیچ حقی را مطلق در نظر نگرفته‌اند. به همین ترتیب، بند ۲ ماده ۲۹ و ماده ۳۰ اعلامیه، از مقید بودن این حقوق تحت شرایطی، اطمینان حاصل کرده‌اند. علاوه بر این قیود کلی، در مواردی به تصریح، استثنائاتی بر حق آزادی بیان وارد شده است.

بند ۳ ماده ۱۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی نیز «حفظ امنیت ملی یا نظم عمومی» را از استثنائات این حق برمی‌شمرد. در تبلیغات خصمانه برای جنگ، هدف، بر هم زدن نظم عمومی و شروع جنگ است و از همین رو می‌توان بنا بر متن میثاق، آن را از استثنائات اصل آزادی بیان محسوب کرد. از طرف دیگر، ماده ۲۰ میثاق حقوق مدنی و سیاسی، به صراحت دو استثنای دیگر را برای آزادی بیان اضافه کرد: تبلیغات خصمانه برای جنگ و ترغیب به تنفر ملی، نژادی یا مذهبی که محرک تبعیض یا اعمال زور باشد. با وجود مخالفت عده‌ای با بند ۱ ماده ۲۰ میثاق، به بهانه تعارض با آزادی بیان، کمیته حقوق بشر و مجمع عمومی، هر دو بارها خاطرنشان کرده‌اند که آزادی بیان و ممنوعیت تبلیغات خصمانه، مکمل یکدیگرند. به علاوه همین کشورها در ماده ۴ کنوانسیون رفع تبعیض نژادی پذیرفته‌اند که آزادی بیان، از اطلاق برخوردار نیست. تأکید بر این دو استثنا به‌طور خاص، تا حدی است که کمیته حقوق بشر در تفسیر ماده ۱۸، درباره آزادی مذهب نیز تصریح می‌کند: «با عنایت به ماده ۲۰ میثاق، هیچ‌گونه ابراز مذهب نباید مصداق تبلیغات خصمانه برای جنگ یا دعوت (ترغیب) به کینه ملی، نژادی و یا مذهبی که محرک تبعیض، خصومت یا خشونت است قرار گیرد». اهمیت این تصدیق از آنجاست که اعمال محدودیت بر آزادی مذهب تنها هنگامی امکان‌پذیر است که در تقابل با آزادی‌های «اساسی» دیگران باشد و دامنه محدودیت‌های آن به مراتب از آزادی بیان، مضیق‌تر است (CCPR/C/21/Rev.1/Add.4, 1993).

با آنکه کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، به صراحت تبلیغات خصمانه را در شمار استثنائات آزادی بیان، نام نبرده، در آرایه‌ای که دادگاه اروپایی حقوق بشر در این خصوص صادر کرده است، چنین استثنایی قابل پذیرش به نظر می‌رسد. در همین خصوص در ۸ ژوئیه ۱۹۹۹، دادگاه

اروپایی، دسته‌ای از احکام^۱ را منتشر کرد که دربارهٔ مشروعیت محکومیت‌هایی بود که طبق قانون ۱۹۹۱ پیشگیری از تروریسم صورت گرفته بود. هر یک از خواهان‌های این پرونده‌ها، ادعا می‌کردند که چنین قانونی، نقض ماده ۱۰ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر دربارهٔ آزادی بیان است، اما دادگاه اروپایی، با بررسی این مدعیات، در هر مورد اعلام کرد با آنکه چنین قانونی با آزادی بیان تعارض پیدا می‌کند، نقض ماده ۱۰ نیست، زیرا جزء محدودیت‌هایی است که براساس همین ماده «توسط قانون توصیه شده است» (Kearney, 2007: 187-189).

در رأی نوروود (*Norwood v. UK*, ECHR 2004-XI 343) دادگاه اروپایی حقوق بشر، عمل فردی را که پس از ۱۱ سپتامبر اقدام به انتشار پوسترهایی با این پیام کرده بود که «اسلام باید از بریتانیا بیرون رود» از مردم بریتانیا حفاظت کنید، محکوم کرد. استناد این رأی دادگاه به ماده ۱۷ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر بود.^۲ دادگاه اعلام کرد که این پوستر، «یک حملهٔ پُرشور و کلی» علیه تمام مسلمانان در بریتانیا بود و ارتباط دادن کلیهٔ افراد یک گروه مذهبی با اعمال شدید تروریستی، با ارزش‌های این کنوانسیون ناسازگار است. در این رأی همچنین اشاره شد که تحدید آزادی بیان، نه براساس انتقاد بلکه تحریک به خشونت است (Buyse, 2014: 495).

در مقابل، کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر در بند ۵ همین ماده، به‌صراحت، «هر گونه تبلیغات خصمانه برای جنگ، یا هر نوع دفاع از نفرت ملی، نژادی یا مذهبی که محرک خشونت غیرقانونی...» را قابل مجازات اعلام می‌کند. در اعلامیهٔ آفریقایی نیز براساس بند «د» همین ماده، برانگیختن احساسات قومی یا مذهبی یا هر چیزی که به برانگیختن هر نوع حس تبعیض نژادی منجر شود، جایز نیست.

حتی کنوانسیون کارگران مهاجر نیز در ماده ۱۳ خود به کشورها اجازه می‌دهد تا محدودیت‌های قانونی را برای آزادی بیان تصویب کنند که «برای هدف پیشگیری از تبلیغات خصمانه برای جنگ» ضروری باشد.^۳

۱. در پرونده‌های *Surek v. Turkey* و *Polat v. Turkey* خواهان‌ها ادعای نقض ماده ۱۰ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر را می‌کردند و دادگاه اروپایی در حکم خود اعلام کرد که نقض این ماده روی نداده و محدودیتی قانونی طبق قانون ۱۹۹۱ ترکیه است. همچنین در پرونده‌های *Baikaya and Another v. Turkey* و *Erdogdu and Another v. Turkey* مدعیان محکومیت طبق این قانون را نقض مواد ۱۰ و ۷ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر می‌دانستند که دادگاه اروپایی هر دو ادعا را بی‌اساس خواند. ر.ک:

ECHR, *Polat v. Turkey* [GC], No.23500/94, 8 July 1999

ECHR, *Sürek v. Turkey (no. 1)* [GC], no. 26682/95, ECHR 1999-IV, 8 July 1999.

ECHR, *Erdoğan and İnce v. Turkey* [GC], nos. 25067/94 and 25068/94, ECHR 1999-IV.

۲. این ماده مقرر می‌کند: «هیچ‌یک از مفاد کنوانسیون حاضر نمی‌تواند به‌گونه‌ای تعبیر یا تفسیر شود که حق شرکت در هر فعالیتی یا انجام هر اقدامی توسط هر دولت، گروه یا شخصی با هدف نابودی هر یک از حقوق و آزادی‌های مندرج در این سند یا محدود کردن این حقوق و آزادی‌ها در حدی فراتر از آنچه در این کنوانسیون پیش‌بینی شده، مجاز شناخته شود».

3. *International Convention on the Protection of the Rights of All Migrant Workers and Members of their*

نتیجه آنکه حق آزادی بیان یک حق مطلق نیست و در فهرست حقوق مندرج در بند ۲ ماده ۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی به‌عنوان حقوق غیرقابل عدول و تخطی‌ناپذیر نیامده است؛ بلکه مقید به قیود و شرایطی است که یکی از آنها، ممنوعیت به‌کارگیری تبلیغات خصمانه برای جنگ است.

حال که این معضل را در همان ابتدای کار، حل کردیم، در مبحث بعدی، رویکرد حقوق بین‌الملل در خصوص تبلیغات خصمانه را در معاهدات، رویه قضایی، اعلامیه‌ها و قطعنامه‌ها به تفصیل بررسی خواهیم کرد.

تبلیغات خصمانه برای جنگ در حقوق بین‌الملل

یکی از دغدغه‌های امروز حقوق بین‌الملل، برقراری صلحی پایدار است که جامعه جهانی برای اطمینان از آن، مجموعه اقدامات مثبت و منفی را در پیش گرفته است. از دیدگاه حقوق بین‌الملل، ارتباطات تا جایی می‌تواند از جریان آزاد اطلاعات بهره‌مند شود که به صلح لطمه وارد نکند (آرائی درون‌کلا، ۱۳۸۷: ۸۸). در واقع، «ضروری‌ترین مشکل زمان معاصر، در حوزه تضمین صلح، زدودن جنگ از صفحه نمایش بشریت است» (Bobrakov, 1966:1). برای این کار، اتخاذ نظام مقرراتی مناسبی در زمینه تبلیغات خصمانه برای جنگ، اهمیت اساسی دارد. با آنکه قانونگذاری تبلیغات خصمانه -بیشتر به دلایل سیاسی- تا حد زیادی مهجور مانده، این نوع تبلیغات (تبلیغات خصمانه برای جنگ) در منابع حقوق بین‌الملل بیشتر از سایرین مورد توجه قرار گرفته است.

پیش از ورود به بحث، بیان این نکته ضروری به‌نظر می‌رسد که معنای واژه جنگ در تعبیر «تبلیغات خصمانه برای جنگ»، تنها به جنگ تجاوز کارانه‌ای که مخالف حقوق بین‌الملل باشد، اختصاص می‌یابد. به‌عبارت دیگر، شامل جنگ‌های استقلال طلبانه، یا جنگ‌های دفاعی جمعی و یا هر آنچه در منشور سازمان ملل مجاز شمرده شده است، نمی‌شود (HRI/GEN/1/Rev.9, Nowak, 2005: 473; Vol. I, 1983: para2). براساس این شناسایی، معنای «جنگ» به آزادی‌طلبی‌های ملی مانند درگیری علیه رژیم آپارتاید در آفریقای جنوبی یا مداخله بشردوستانه -به‌شرط آنکه مطابق منشور باشد- تسری نمی‌یابد. این نظر با اقدامات مقدماتی مربوط به تدوین و تفسیر کمیته نیز همخوانی دارد (Kearney, 2007: 155-156). شایان ذکر است که جنگ در اینجا، براساس نظر مفسر میثاق، مانفرد نواک، تنها مخاصمه بین‌المللی را در برمی‌گیرد. به عقیده نواک، مخاصمه داخلی تا زمانی که به مخاصمه بین‌المللی تبدیل نشده، در محدوده بند ۱ ماده ۲۰ میثاق قرار نمی‌گیرد (Nowak, 2005: 473).

۱. معاهدات

۱.۱. معاهدات دوجانبه

کشورها پس از درک گستره و شدت خطر تبلیغات خصمانه، درصدد انعقاد معاهدات دوجانبه برآمدند. چند نمونه از این اسناد در جدول زیر مشاهده می‌شود.

مقررات ناظر بر ممنوعیت تبلیغات خصمانه	سال تصویب	طرفین معاهده
ماده ۳ این معاهده دولت‌های عضو را متعهد می‌کند به تبعه خود اجازه ندهند مکاتبه‌ای با دشمنان دولت‌های دو کشور، چه به صورت مستقیم یا غیرمستقیم، برای پخش و انتشار ^۱ اصول متعارض با قانون اساسی‌شان یا برای تحریک به بی‌نظمی و آشوب انجام دهند (Van Dyke, 1940: 59).	۱۸۰۱	فرانسه و روسیه
دو طرف را ملزم می‌کند تا از هر گونه عملی که احتمال داشته باشد به تحریک یا تشویق هر گونه آشوب یا تبلیغات خصمانه یا تلاش برای دخالت، با هدف نقض یا بی‌احترامی به تمامیت سرزمینی طرف دیگر یا تغییر ساختار سیاسی و اجتماعی تمام یا بخشی از آن سرزمین منجر شود، خودداری کنند (Kearney, 2007: 23).	۱۹۳۲	فرانسه و شوروی ^۲
در بند ۵ ماده ۷ این معاهده، تبلیغات خصمانه برای جنگ و تبلیغات براندازانه، ممنوع اعلام شده است. (Sinsalu, 2008: 158)	۱۹۲۰	استونی و روسیه (معاهده تارتو ^۳)
طی آن هر دو کشور تعهد کردند از انتشار هر گونه تبلیغات خصمانه علیه یکدیگر بپرهیزند.	۱۹۸۳	اسرائیل و لبنان ^۴
در ماده ۵ این معاهده، دو کشور متعهد می‌شوند که فعالیت‌های مربوط به انتشار تبلیغات خصمانه را که در قلمرویشان، به جنگ تحریک می‌کند، ممنوع کنند.	۱۹۸۴	آفریقای جنوبی و موزامبیک ^۵
طرفین را به خودداری از هر گونه کمپین توهین‌آمیز یا تبلیغات خصمانه برای جنگ با هدف مداخله در امور داخلی کشورهای متعاقد، الزام می‌دارد.	۱۹۸۸	افغانستان و پاکستان ^۶
در بند اول این قرارداد دوجانبه آمده است که هر یک از کشورها «باید از هر گونه تحریک، شامل تبلیغات خصمانه برای جنگ علیه یکدیگر، بدون نقض اصل آزادی بیان، خودداری کنند. همچنین باید اقدامات قانونی برای پیشگیری از چنین تحریک‌هایی توسط سازمان، گروه‌ها یا افرادی که تحت صلاحیتشان هستند، اتخاذ کنند».	۱۹۹۴	اسرائیل و سازمان آزادی‌بخش فلسطین (PLO) ^۷

1. Propagate
2. *USSR-France: Treaty of Non-Aggression*, 29 November 1932: 174-176.
3. *Tartu Peace Treaty*, 2 February 1920.
4. *Israel-Lebanon: Agreement on Withdrawal of Troops from Lebanon*, 17 May 1983.
5. *Agreement on Aggression and Good Neighborliness between the Government of the Republic of South Africa and the Government of the People's Republic of Mozambique*, 16 March 1984.
6. *Bilateral Agreement between the Republic of Afghanistan and the Islamic Republic of Pakistan on the Principles of Mutual Relations, in Particular on Non-Interference and Non-Intervention*, July 1988.
7. *Israel-Palestine Liberation Organization Agreement on the Gaze Strip and the Jericho Area*, May 1994.

معاهداتی که با جماهیر شوروی منعقد می‌شد، در نتیجه این امر کشورها نگران تبلیغات کمونیستی انقلابی شوروی در مرزهای خود بودند و قصد داشتند نظم کشور خود را به این وسیله حفظ کنند (Kearney, 2007: 23). هدف از انعقاد معاهده استونی و روسیه نیز آن بود که در پی این تبلیغات، از خاک کشور استونی برای حمله به روسیه استفاده نشود (Sinsalu, 2008: 158). به‌طور کل می‌توان گفت کشورها با انعقاد این معاهدات دوجانبه، سعی داشتند از امنیت و نظم داخلی کشور خود در مقابل ناآرامی‌های فرامرزی و انقلاب‌های ایدئولوژیکی، حفاظت کنند.

۱.۲. معاهدات چندجانبه

نام معاهده	سال تصویب	مقررات ناظر بر ممنوعیت تبلیغات خصمانه
برست - لیتووسک (بین روسیه بلشویک و قدرت‌های مرکزی اولین جنگ جهانی)	۱۹۱۸	در ماده ۲ خود مقرر می‌دارد که طرفین معاهده باید از هر گونه تحریک یا تبلیغات خصمانه علیه دولت یا تأسیسات نظامی و عمومی طرف دیگر بپرهیزند.
کنوانسیون بین‌المللی استفاده از پخش برنامه در خدمت صلح	۱۹۳۶	در ماده ۲ وظیفه دولت‌ها می‌داند که از انتقال اطلاعات از سرزمینشان، با قصد تحریک به جنگ علیه کشور متعاقد دیگر جلوگیری کنند؛ به عبارت دیگر، این ماده ممنوعیت انتشار تبلیغات خصمانه توسط دولت یا اشخاص خصوصی را در برمی‌گیرد. در ماده ۶ این کنوانسیون، بار دیگر بر همین نکته تأکید می‌شود (Kearney, 2007: 24).
کنوانسیون مخابرات بین‌المللی اخبار و حق اصلاح ^۱	۱۹۴۹	این کنوانسیون در مقدمه اعلام می‌کند که کشورهای متعاقد قصد دارند «با هر گونه تبلیغات خصمانه‌ای که برای تهدید صلح یا تجاوز طراحی شده یا ممکن است به آن ترغیب یا تشویق کند، مبارزه کنند». هدف از انعقاد این معاهده آن بود که چارچوبی تهیه شود تا گزارش‌های نادرست یا غیردقیق درباره روابط بین‌المللی بتواند به‌طور عمومی تصحیح شود.
میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی	۱۹۶۶	بند ۱ ماده ۲۰ میثاق، به‌صراحت هر گونه تبلیغات خصمانه برای جنگ را ممنوع اعلام کرد.
معاهده فضای ماورای جو ^۲	۱۹۶۷	در مقدمه این معاهده بر اجرای محتوای قطعنامه ۱۱۰ مجمع عمومی، مبنی بر محکومیت تبلیغات خصمانه‌ای که هر گونه تهدید علیه صلح را ترغیب یا تشویق کند، تأکید می‌کند.
کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر	۱۹۶۹	در بند ۵ ماده ۱۳ خود تصریح می‌کند: «هر گونه تبلیغات خصمانه برای جنگ و هر گونه تشویق به تنفر ملی، نژادی یا مذهبی که تحریک به

1. *Convention on the International Right of Correction*, 31 March 1953.

2. *Treaty on Principles Governing the Activities of States in the Exploration and Use of Outer Space, Including the Moon and Other Celestial Bodies*, 27 January 1967.

خسونت غیرقانونی یا هر عمل مشابه دیگری را تشکیل دهد که علیه فرد یا گروهی از افراد به دلایلی اعم از نژاد، رنگ، مذهب، زبان یا ریشه ملی باشد، باید جرم قابل مجازات توسط قانون محسوب شود».		
در قسمت «د» بند دوم ماده ۱۹ این کنوانسیون، تصریح می‌شود که عبور کشتی‌های خارجی در صورتی که اقدام به «هر گونه فعالیت مرتبط با انتشار تبلیغات خصمانه با هدف تأثیر بر دفاع یا امنیت دولت ساحلی» نکنند، مضر به صلح، نظم عمومی و امنیت دولت ساحلی محسوب می‌شود. بدین ترتیب، کشور ساحلی حق دارد از عبور بی‌ضرر چنین کشتی‌ای جلوگیری کند. ^۱	۱۹۸۲	کنوانسیون سازمان ملل درباره حقوق دریاها
در بخش سوم در میحث مربوط به حق زندگی، درباره ممنوعیت تبلیغات خصمانه آمده است: «...به منظور تأمین حق زندگی، تبلیغات خصمانه برای جنگ یا منازعه قومی یا تحریک به ایجاد نفرت و خسونت در تمام حوزه‌های زندگی فردی، اجتماعی، ملی یا بین‌المللی باید ممنوع شود» (ساعدی، ۱۳۸۹: ۳۵).	۱۹۹۸	منشور آسیایی حقوق بشر

همان‌طور که اشاره شد، اولین نمونه و کد حاکمیتی که بین تعدادی از کشورها منعقد شده و موضوع اصلی آن متوجه ممنوعیت و خودداری از انتشار تبلیغات خصمانه بود، کنوانسیون بین‌المللی استفاده از پخش برنامه در خدمت صلح بود. با اینکه این کنوانسیون را تنها سیزده کشور تصویب کردند، از این نظر دارای اهمیت است که نمونه‌ای از کد حاکمیتی در این حوزه است و اهمیت تاریخی و تأثیر روانی آن را نباید دست‌کم گرفت (Kearney, 2007: 24).

اما در نهایت، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی موفق شد با جلب نظر و تصویب بیش از ۱۵۰ کشور، دولت‌ها را متوجه ضرورت مقابله با تبلیغات خصمانه سازد. همان‌طور که از تعریف مخاصمه مسلحانه برمی‌آید، تنها تبلیغاتی براساس ماده ۲۰ میثاق ممنوع است که هدف آن، تشویق به استفاده از نیروی مسلح علیه اقتدار، تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی کشور دیگری باشد؛ یا اینکه به طریقی دیگر با منشور سازمان ملل متحد ناسازگار باشد (Timmermann: 85). تفسیر عمومی کمیته حقوق بشر شماره ۱۱ درباره این ماده در سال ۱۹۸۳ تصریح می‌کند: «ممنوعیت مذکور در بند اول، به تمام انواعی از تبلیغات خصمانه تسری می‌یابد که به تجاوز یا نقض صلح معارض با منشور سازمان ملل تهدید کند یا منجر شود». این کمیته همچنین اضافه می‌کند که «مقررات بند نخست ماده ۲۰، دفاع از حق حاکمیتی دفاع از خود یا حق مردم برای تعیین سرنوشت خود و استقلال را که سازگار با منشور باشد، ممنوع نمی‌کند». در این تفسیر عمومی آمده است: «بعد از بررسی ماهیت ماده ۲۰، کشورهای عضو موظف‌اند اقدامات لازم را برای قانونگذاری ممنوعیت اعمالی که به آنها اشاره شد، اتخاذ کنند ...

1. Article 19(2) d.

و باید خودشان از دست زدن به چنین تبلیغاتی... خودداری کنند» (HRI/GEN/1/Rev.9, 29 July 1983: para2). در این تفسیر همچنین تصریح می‌شود: «کشورها موظف‌اند از شرکت در تبلیغات خصمانه رسمی دولتی خودداری کرده و هر گونه تبلیغات خصمانه برای جنگ را که توسط رسانه‌های افراد خصوصی یا نیمه‌دولتی انجام می‌شود، ممنوع کنند». این نوشته به‌سادگی یادآوری می‌کند که نه‌تنها وضع قانون خاصی در این زمینه در کشورها لازم است، بلکه قانونی نیاز است که تبلیغات خصمانه برای جنگ از سوی افراد خصوصی و سایر عوامل غیردولتی را نیز ممنوع کند.

در زمان تصویب پیش‌نویس اساسنامه^۱ رُم نیز بحث‌هایی درباره ممنوعیت تحریک به جنگ و تبلیغات خصمانه برای جنگ مطرح اما متأسفانه بر سر آن توافق نشد (Collins, 2010: 825).

۱.۳. رویه قضایی بین‌المللی

رویه قضایی بین‌المللی در روشن ساختن موارد و مصادیق قواعد بین‌المللی تا حد زیادی راه‌گشاست. در این زمینه نیز اشاره به رویه دادگاه‌های بین‌المللی به‌منظور حصول اطمینان از قابلیت اعمال این قواعد در عرصه بین‌المللی حیاتی است.

منشور نورمبرگ بر نقش اساسی تبلیغات خصمانه در آماده‌سازی جنگ تأکید کرده است. با وجود این، تبلیغات خصمانه یا تحریک را به‌تنهایی تشکیل‌دهنده جرم نمی‌دانست. یک سال بعد از تصویب این اساسنامه، این دادگاه نظامی بین‌المللی بر نقش تبلیغات نازی‌ها در ایجاد جنگ تأکید کرد؛ توطئه را به‌عنوان جرم تلقی کرد و در خلال آن در چند پرونده (رادولف هس^۱، ویلهلم کیتل^۲ و آلفرد روزنبرگ^۳) به تبلیغات خصمانه برای جنگ اشاره کرد؛ اما حتی در این پرونده‌ها نیز محکومیت بر مبنای جرم‌های اساسی دیگری بود و تبلیغات خصمانه تنها عامل کمک‌کننده محسوب می‌شد. در دو پرونده دیگر، اتهامات تنها بر مبنای سخنرانی صرف بود. «جولیوس اشترایشتر»^۴ متهم به تبلیغات خصمانه برای جنگ و همچنین ایفای نقش تبلیغات گر اصلی ترویج نفرت و خشونت علیه یهودیان بود. در جریان محاکمه، وی از اتهام اول تبرئه و به اتهام دوم محکوم شد. «هانس فریچه»^۵ نیز متهم به تبلیغات خصمانه برای جنگ و فعالیت‌های ضد یهودی (به‌سبب فعالیتش در وزارت پروپاگاندا نازی) بود که دیوان، وی را بر این مبنا که در تحریک مستقیم به جنگ نقشی نداشته و اثبات نشده که از طرح کلی براندازی و نابودی یهودیان مطلع بوده باشد، از تمام اتهامات تبرئه کرد. با

1. Rudolf Hess
2. Wilhelm Keitel
3. Alfred Rosenberg
4. Julius Streicher
5. Hans Fritzsche

وجود این، دیوان اشاره کرد که اگر چنین چیزی ثابت می‌شد، این اتهامات، بدون هیچ تردیدی، معتبر بودند.

در محاکمه بعدی که به اتهامات ۲۲ نازی رسیدگی می‌شد، «اوتو دیتریچ» و «ارنست ون ویزسکر»^۱ متهم به فعالیت‌های گفتاری مانند تبلیغات خصمانه برای جنگ بودند. دیوان اعلام کرد که محکومیت، نیازمند اثبات این است که هر کدام از متهمان از نقشه جنگ هیتلر مطلع بوده‌اند. هر دو به دلیل نبود مدارک کافی حاکی بر این مسئله، تبرئه شدند، ولی دادگاه بار دیگر اتهامات را فی‌نفسه معتبر خواند.

در محاکمه توکیو، جرم توطئه به شروع جنگ تجاوزکارانه، شناسایی و تبلیغات خصمانه برای جنگ، بخشی از آن محسوب شد. ۵ نفر از متهمان به سبب توطئه و بر مبنای این نوع تبلیغات، گناهکار شناخته شدند. همچنین ۱۲ زن تحت عنوان «توکیو رز»^۲، محکوم به جرم انتشار تبلیغات خصمانه شدند (Collins, 2010: 821-822).

دادگاه کیفری رواندا در پرونده ناهیمانان^۳ و دیگران در سال ۲۰۰۳ به جرم تحریک به خشونت می‌پردازد و بی‌شک با ممنوعیت تحریک به خشونت، راه برای تحریک به جرائم بین‌المللی مانند جنگ تجاوزکارانه و ارتکاب تبلیغات خصمانه در همین خصوص بسته می‌شود (Prosecutor v. Nahimana, Jean-Bosco Barayagwiza & Hassan Ngeze, 3 December 2003). این دادگاه کیفری با توجه به نقش تبلیغات خصمانه در نسل‌کشی رواندا اظهار می‌دارد: «بیانی که با عنوان تحریک به خشونت محاکمه شود، در واقع تهدیدی علیه امنیت ملی محسوب نمی‌شود، بلکه در دفاع از امنیت بین‌المللی محاکمه می‌شود... بر همین اساس، توجیهی برای به‌کارگیری معیارهای بین‌المللی وجود دارد». رأی دادگاه کیفری رواندا زمینه را برای اعمال بند ۱ ماده ۲۰ میثاق آماده کرد.

رسیدگی‌های قضایی در محاکمات نورمبرگ و دادگاه کیفری رواندا به عقیده اکثریت، این اصل را تأسیس کرد که تبلیغات خصمانه در کمک به یک جنگ تجاوزکارانه، خود یک جرم محسوب می‌شود. استناد به تبلیغات خصمانه در کمک به راه‌اندازی یک جنگ، به‌طور مکرر در کیفرخواست‌ها، شواهد و آرا صورت گرفته است.

۱.۴. قطعنامه‌ها و اعلامیه‌ها

یکی از قوی‌ترین ادله و شواهد پذیرش نامشروعیت تبلیغات خصمانه برای جنگ در حقوق بین‌الملل، تأکیدهای مکرر، پیوسته و متفق‌القول اعضای سازمان ملل بر این موضوع، در قطعنامه‌هایی مانند قطعنامه‌های مجمع عمومی مصوب ۱۹۴۷، ۱۹۴۸، و ۱۹۵۰ است. این نکته

1. Ernest Von Weizsaeker
2. Tokyo Rose
3. Ferdinand Nahimana

را نباید از یاد برد که در این سال‌ها، در اثنای جنگ سرد، با وجود اختلاف نظر بین بلوک شرق و غرب درباره ممنوعیت تبلیغات خصمانه، توافق بر سر تصویب قطعنامه‌ای با این محتوا آسان نبود. بارها با پیشنهاد شوروی، کار تا تصویب چنین قطعنامه‌هایی پیش رفت، اما به ثمر ننشست. قطعنامه‌ها و اعلامیه‌های مصوب در این موضوع در قالب جدول زیر مشاهده می‌شود.

نام اعلامیه	سال تصویب	مقررات ناظر بر ممنوعیت تبلیغات خصمانه
قطعنامه دفتر بین‌المللی یکسان‌سازی حقوق کیفری ^۱	۱۹۳۱	این دفتر قطعنامه‌ای تصویب کرد که طی آن، دبیر کل جامعه ملل را به برگزاری یک کنفرانس بین‌المللی با هدف تصویب مجازاتی جهانی برای تبلیغات خصمانه برای جنگ، ترغیب می‌کرد.
قطعنامه ۱۱۰ مجمع عمومی (A/RES/110(II), 1947)	۱۹۴۷	به‌صراحت هر گونه تبلیغاتی را که توسط کشورها طراحی شده، خواه با قصد تحریک، تشویق یا تهدید علیه صلح، نقض صلح و عمل تجاوزکارانه یا هر گونه عملی را که چنین نتیجه‌ای از آن محتمل باشد محکوم می‌کرد.
قطعنامه ۱۲۷ مجمع عمومی (A/RES/127(II), 15 November 1947)	۱۹۴۷	کشورها را به مطالعه اقدامات ممکن، در سطح ملی، برای برخورد با «پخش گزارش‌های نادرست یا تحریف‌شده‌ای که به روابط دوستانه کشورها آسیب بزند» و ارسال گزارش در این زمینه به کنفرانس آزادی اطلاعات، دعوت کرد.
پیش‌نویس کنوانسیون آزادی اطلاعات و مطبوعات	۱۹۴۸	در سال ۱۹۶۰ مقرره‌ای اضافه کرد و «تحریک به خشونت و جرم» را ممنوع اعلام کرد (Collins, 2005: 822).
اعلامیه اتحادیه بین‌پارلمانی	۱۹۴۸	تبلیغات خصمانه برای جنگ و هر گونه تحریک به آن را مانع صلح دانسته و ممنوع اعلام کرد و از کشورها خواست تا در زمینه اجرای محتویات قطعنامه ۱۹۴۷ مجمع عمومی و قطعنامه ۱۹۴۸ کنفرانس آزادی اطلاعات، تلاش کنند (Kearney, 2007: 62-63).
قطعنامه ۴۲۴ مجمع عمومی (A/RES/427(V), 14 December 1950)	۱۹۵۰	در محکومیت پارازیت رادیویی، از همه دولت‌ها خواست تا با گزارش واقعیت‌ها به‌صورت صحیح و بی‌طرفانه، رفتاری اخلاقی در جهت صلح جهانی داشته باشند.
قطعنامه ۳۸۱ مجمع عمومی (A/RES/381(V), 17 November 1950)	۱۹۵۰	بر محتوای قطعنامه ۱۱۰ تأکید می‌کند.
قطعنامه ۸۱۹ مجمع	۱۹۵۴	بنا بر این قطعنامه، هیچ تعارضی بین ممنوعیت تبلیغات خصمانه

1. The International Bureau for the Unification of Criminal Law.

برای جنگ و حق فردی آزادی بیان وجود ندارد و در حقیقت، هر دو برای تحقق صلح، ضروری هستند.		عمومی (A/RES/819(IX), 11 December 1954)
مقدمه این اعلامیه، محتوای قطعنامه شماره ۱۱۰ مجمع عمومی مبنی بر محکومیت تبلیغات خصمانه طراحی شده یا تشویق کننده به تهدید علیه صلح را بر فضای ماورای جو نیز قابل اجرا دانست.	۱۹۶۳	اعلامیه اصول حقوقی حاکم بر فعالیت‌های کشورها در اکتشاف و استفاده از فضای ماورای جو ^۱
محتوای قطعنامه ۱۱۰ بار دیگر تکرار شد.	۱۹۶۵	اعلامیه «ارتقای آرمان صلح، احترام متقابل و تفاهم بین مردم در بین جوانان» ^۲
بر وظیفه دولت‌ها در خودداری از انتشار تبلیغات خصمانه برای جنگ تجاوزکارانه تأکید کرد.	۱۹۷۰	اعلامیه روابط دوستانه ^۳
این سند در تلاش برای ایجاد آشتی بین دو بلوک شرق و غرب، به ممنوعیت تبلیغات خصمانه برای جنگ اشاره می‌کند. در بخشی از این سند، کشورها را متعهد می‌کند که جوی از اعتماد و احترام بین مردم را تقویت کنند که هماهنگ با وظیفه آنها به خودداری از تبلیغات خصمانه برای جنگ تجاوزکارانه یا هر تهدید یا استفاده از زور باشد (Kearney, 2007: 74-75).	۱۹۷۵	سند نهایی هلسینکی
این اعلامیه، کشورها را بار دیگر به خودداری از انتشار تبلیغات خصمانه برای جنگ تجاوزکارانه و اطمینان از صلح‌آمیز بودن سیاست‌های رسانه‌هایشان فرامی‌خواند. ^۵	۱۹۷۸	اعلامیه درباره آمادگی جوامع برای زندگی در صلح ^۴
به‌صراحت به ممنوعیت این نوع تبلیغات خصمانه اشاره می‌کند.	۱۹۷۹	اعلامیه همکاری

1. *Declaration of Legal Principles Governing the Activities of States in the Exploration and Uses of Outer Space*, 13 December 1963.
 2. *Declaration on the Promotion among Youth of the Ideals of Peace, Mutual Respect and Understanding between People*, 7 December 1965.
 3. *Friendly Relations Declaration*, 24 October 1970.
 4. *Preamble to the Declaration on the Preparation for Societies for Life in Peace*, 15 December 1978.
۵. یکی از نکات شایان ملاحظه در این حوزه، رویکرد ایالات متحده در زمینه تصویب اعلامیه‌هایی با این موضوع است. اعلامیه ۱۹۷۸ درباره آمادگی جوامع برای زندگی در صلح که با ۱۲۸ رأی و بدون مخالفت تصویب شده بود، با رأی ممتنع آمریکا و اسرائیل روبه‌رو شد؛ زیرا آن را به قول خود، «خطری برای آزادی بیان» قلمداد می‌کردند. این اقدام ایالات متحده به‌نوعی پسرفت محسوب می‌شد، زیرا این کشور پیش از این، تعهد به خودداری از تبلیغات خصمانه را در اعلامیه روابط دوستانه پذیرفته بود. در پاسخ به این انتقادات، وزیر امور خارجه آمریکا اعلام کرد که علت این اقدام آن بود که تعریفی از تجاوز ارائه نشده بود.

		بین‌المللی در خلع سلاح ^۱
به‌صراحت به ممنوعیت این نوع تبلیغات خصمانه اشاره می‌کند.	۱۹۸۱	اعلامیه درباره غیرمجاز بودن مداخله و دخالت در امور داخلی کشورها ^۲
به‌صراحت به ممنوعیت این نوع تبلیغات خصمانه اشاره می‌کند.	۱۹۸۷	اعلامیه درباره بالا بردن تأثیر اصل خودداری از تهدید یا استعمال زور در روابط بین‌الملل ^۳

در این میان تعریف قطعنامه ۳۸۱ مصوب ۱۹۵۰ با عنوان «ممنوعیت تبلیغات خصمانه علیه صلح» از تبلیغات خصمانه ممنوع، جالب توجه است: «۱. تحریک به مخاصمه و اعمال تجاوزکارانه؛ ۲. اقداماتی با نیت جدا کردن گروه‌هایی از مردم از هر گونه ارتباط با جهان بیرونی به‌وسیلهٔ جلوگیری مطبوعات، رادیو و دیگر رسانه‌های ارتباطی از گزارش حوادث بین‌المللی و در نتیجه مانع شدن از تفاهم و درک متقابل بین مردم؛ ۳. اقداماتی با نیت مسکوت گذاشتن یا تحریف کردن اعمال سازمان ملل در طرفداری از صلح یا جلوگیری افرادشان از آشنایی با نظرهای دیگر ملت‌ها.»

همهٔ این موارد، نمونه‌هایی از مقررات بسیاری است که جوامع بین‌المللی در تلاش برای ممنوعیت تبلیغات خصمانه برای جنگ در نظر گرفته است. با وجود این به‌نظر می‌رسد با توجه به استفادهٔ رو به رشد از این نوع تبلیغات، هنوز راه زیادی تا توقف دائمی تبلیغات خصمانه برای جنگ وجود دارد. در این زمینه باید جدی‌تر به برخورد با این نوع تبلیغات همت گماشت.

نتیجه‌گیری

انتشار تبلیغات خصمانه به‌عنوان یکی از ابزارهای جنگ روانی از سابقهٔ زیادی برخوردار است. کشورها در تلاش برای توجیه اعمال خصمانهٔ خویش و تحریک افراد به شرکت در این اعمال، پیام‌هایی را به‌صورت هدفمند از طریق رسانه‌های جمعی منتشر می‌کردند تا اذهان عمومی را

1. *Declaration on International Co-operation on Disarmament*, 11 December 1979.

2. *Declaration on the inadmissibility of Intervention and Interference in the Internal Affairs of States*, 9 December 1981.

3. *Declaration on the Enhancement of the Effectiveness of the Principle of Refraining from the Threat or Use of Force in International Relations*, 18 November 1987.

برای رفتار مدنظر خود آماده کنند و واکنش مطلوب را در جهت سیاست خود برانگیزند. این امر در پی توسعه فناوری و فراگیری دسترسی به وسایل ارتباطی مانند اینترنت در سراسر جهان بیش از گذشته استفاده شد. میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی در کنار سایر اسناد، بار دیگر بر ممنوعیت این‌گونه تبلیغات به‌طور صریح و شفاف صحنه گذاشت. دادگاه‌های نورنبرگ، ICTY و ICTR نیز در آرای خود جرم تبلیغات خصمانه برای جنگ را به رسمیت شناختند که این امر بی‌تردید در پذیرش باور جهانی برای تصویب قواعد ناظر بر ممنوعیت آن، مؤثر بود.

راهی که برای اطمینان از آگاهی جامعه جهانی از خطرهای تبلیغات خصمانه و ناپسند بودن آن طی شد، راهی بس طولانی بود که باید برای آن اهمیت فوق‌العاده‌ای قائل شد و نباید به صرف ظهور ادعاهای جدید و آزادی‌طلبی‌های افراطی، آن را به فراموشی سپرد. در حقیقت با پیشرفت فناوری و گسترده شدن شبکه‌های اجتماعی، ضرورت مقابله با تبلیغات خصمانه برای جنگ بیش از گذشته محسوس شده است.

در حال حاضر، با وجود برخی چاره‌اندیشی‌ها، انتشار تبلیغات خصمانه توسط کشورها همچنان از استقبال زیادی برخوردار است. در واقع، با پذیرش جهانی ممنوعیت مخاصمات مسلحانه، کشورها ناچارند اعمال خصمانه خود را در قالب امری دفاعی یا بشردوستانه نشان دهند تا از واکنش‌های جهانی در امان بمانند و برای این امر، ابزار تبلیغات خصمانه را به‌کار می‌برند. با در نظر گرفتن ابعاد نوینی که تبلیغات خصمانه، در پی گسترش شبکه‌های اجتماعی و اینترنت یافته است، پیشنهاد می‌شود به این موارد توجه شود: توجه کشورها و جامعه جهانی را به این موضوع مبذول داشت و با طرح این مسئله در کنفرانس‌های بین‌المللی از آگاهی جهانی نسبت به آن اطمینان خاطر یافت؛ همچنین با تقدیم دادخواست‌هایی بر همین مبنا در دادگاه‌های بین‌المللی به تقویت رویه قضایی پرداخت؛ در همین زمینه احراز مسئولیت دولت‌ها و گروه‌هایی که به انتشار این‌گونه تبلیغات مبادرت می‌ورزند، بر روند مقابله با آن تأثیرگذار خواهد بود. نباید از خاطر برد که پیشگیری از انتشار تبلیغات خصمانه به همان اندازه اهمیت دارد که پیشگیری از وقوع مخاصمات مسلحانه و توقف جنگ‌افروزی!

منابع

۱. فارسی

الف) کتب

۱. ایزدی، فؤاد (۱۳۹۰). *دیپلماسی عمومی آمریکا در قبال ایران*، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
۲. *دیکشنری بلک لا*، (۱۳۸۴)، نسخه هشتم، چ اول، تهران: میزان.

۳. کدخدایی، عباسعلی (۱۳۸۰). «اصول حقوقی حاکم بر پخش برنامه‌های ماهواره‌ای»، حقوق بین‌الملل و پخش مستقیم برنامه‌های ماهواره‌ای، ج ۱، چ اول، تهران: سروش.
۴. محسنیان راد، مهدی (۱۳۸۴). *ایران در چهار کهنکشان ارتباطی: سیر تحول تاریخ ارتباطات در ایران از آغاز تا امروز*، تهران: سروش.

ب) مقالات

۵. آرائی درونکلا، میثم (۱۳۸۷). «حقوق و تکالیف عناصر ارتباط در پرتو اصول حقوق بین‌الملل ارتباطات و حقوق بین‌الملل»، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد حقوق بین‌الملل، دانشگاه تهران.
۶. ساعدی، ستاره (۱۳۸۹). «وضعیت رسانه‌های جمعی در جریان مخاصمات مسلحانه از منظر حقوق بین‌الملل»، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد حقوق بین‌الملل، دانشگاه علامه طباطبایی.

۲. انگلیسی

A) Books

7. Jowett, Garth S. & O'Donnell, Victoria (2012). *Propaganda and Persuasion*, 5th edition, USA, SAGE publications.
8. Kearney, Michael (2007). *the Prohibition of Propaganda for War in International Law*, UK, Oxford University Press.
9. Mowlana, Hamid (1997). *Global Information and World Communication: New Frontiers in International Relations*, 2nd edition, USA, SAGE Publications.
10. Nowak, Manfred (2005). *UN Covenant on Civil and Political Rights: CCPR Commentary*, Kehl: Germany, NP Engel.

B) Articles

11. Bobrakov, Yuri (1966). "War Propaganda: a Crime against Humanity", *Law and contemporary problem*, No.3, Vol.31, summer.
12. Buyse, Antoine (2014). "Dangerous Expressions: The ECHR, Violence and Free Speech", *International Comparative Law Quarterly*, Vol.63, pp.491-503.
13. Collins, Richard B., (2010). "Propaganda for war and transparency", *Denver University Law Review*, No.4, Vol.87.
14. Larson, Arthur (1966). "The Present Status of Propaganda in International Law", *Law and Contemporary Problems*, No.3, Vol.3.
15. Sinsalu, Arnold (2008). "Propaganda, Information War and the Estonian-Russian Treaty Relations: some aspects of international law", *Juridica International*, no.XV, July.
16. Smith, Sarabeth A., (2010). "What's old is new again: terrorism and the growing need to revisit the prohibition on Propaganda", *Syracuse Journal of International*

Law & Commerce, No.2, Vol.37, March.

17. Van Dyke, Vernon (1940). "the Responsibility of States for International Propaganda", *American Journal of International Law*, No.58, Vol.34.

C) Thesis

18. Timmermann, Wibke Kristin, "Incitement, Instigation, Hate Speech and War Propaganda in International Law", LL.M in International Humanitarian Law, CUDIH; Available at:
www.geneva-academy.ch/docs/memoires/memoire_timmermann.pdf

D) Documents

19. "Agreement on Aggression and Good Neighborliness between the Government of the Republic of South Africa and the Government of the People's Republic of Mozambique", (1984). *International Legal Materials*, No.2, Vol.23, March.
20. "Bilateral Agreement between the Republic of Afghanistan and the Islamic Republic of Pakistan on the Principles of Mutual Relations, in Particular on Non-Interference and Non-Intervention", (1988). *Pakistan Horizon*, No.3, Vol.49, July.
21. "Israel-Lebanon: Agreement on Withdrawal of Troops from Lebanon, 17 May 1983", (1983). *International Legal Materials*, No.4, Vol.22.
22. "Israel-Palestine Liberation Organization Agreement on the Gaze Strip and the Jericho Area", (1994). *International Legal Materials*, No.3, Vol.33, May.
23. "USSR-France: Treaty of Non-Aggression, 29 November 1932", (1933). *American Journal of International Law*, No.4, Vol.27, October.
24. *Convention Concerning the Use of International Broadcasting in the Cause of Peace*, (1936). entered into force on 2 April 1938.
25. *Convention on the International Right of Correction*, 435U.N.I.T.S.191, (1953), entered into force on 24 August 1962.
26. ECHR, *Norwood v. UK* (admissibility decision), ECHR 2004-XI 343.
27. General Assembly, (11 December 1954). A/RES/819(IX).
28. General Assembly, (11 December 1979). *Declaration on International Co-operation on Disarmament*, A/RES/34/88, II (f).
29. General Assembly, (13 December 1963). *Declaration of Legal Principles Governing the Activities of States in the Exploration and Uses of Outer Space*, A/RES/1962(XVIII).
30. General Assembly, (14 December 1946). A/RES/59(I).
31. General Assembly, (14 December 1950). A/RES/427(V).
32. General Assembly, (15 December 1978), *Declaration on the Preparation of Societies for Life in Peace*, A/RES/33/73, I (3).
33. General Assembly, (15 December 1978). Preamble to the *Declaration on the Preparation for Societies for Life in Peace*, A/RES/33/73.
34. General Assembly, (15 November 1947). A/RES/127(II).

35. General Assembly, (17 November 1950). A/RES/381(V).
36. General Assembly, (18 November 1987). *Declaration on the Enhancement of the Effectiveness of the Principle of Refraining from the Threat or Use of Force in International Relations*, A/RES/44/22, I(4).
37. General Assembly, (1948). 2 Int Organization 1 (1948) 61.
38. General Assembly, (24 October 1970). *Friendly Relations Declaration*, A/RES/2625 (XXV).
39. General Assembly, (3 November 1947). A/RES/110(II).
40. General Assembly, (7 December 1965). *Declaration on the Promotion among Youth of the Ideals of Peace, Mutual Respect and Understanding between People*, A/RES/2037(XX).
41. General Assembly, (9 December 1981). *Declaration on the inadmissibility of Intervention and Interference in the Internal Affairs of States*, A/RES/36/103, II(j).
42. General Assembly, (27 January 1967). *Treaty on Principles Governing the Activities of States in the Exploration and Use of Outer Space Including the Moon and Other Celestial Bodies*.
43. Human Rights Committee, (29 July 1983). General Comment 11 on Article 20, HRI/GEN/1/Rev.9, Vol. I.
44. Human Rights Committee, (29 July 1983). General Comment 11 on Article 20, HRI/GEN/1/Rev.9, Vol. I.
45. Human Rights Committee, (29 June 1983). General Comment 10 on Article 19, HRI/GEN/1/Rev.9, Vol. I.
46. Human Rights Committee, (30 July 1993). General Comment 22 on Article 18, CCPR/C/21/Rev.1/Add.4.
47. ICTR, (3 December 2003), *Prosecutor v. Nahimana, Jean-Bosco Barayagwiza & Hassan Ngeze*, Case No. ICTR 99-52-T, Judgment and Sentence.
48. UNESCO, (12 October to 14 November 1970). *Records of the General Conference*, Resolution 4.301, 16th Session, Paris.
49. UNESCO, (October-November 1972). General Conference, Resolution 4.113, 17 (1) UN UNESCO Resolutions/Recommendations at 70.
50. *United Nations Convention on the Law of the Sea*, (10 December 1982), entered into force on 16 November 1994.

E) Sites

51. Encyclopedia Britannica: <http://global.britannica.com/EBchecked/topic/478875/propaganda> Last Visit : 8/7/2015
52. The Guardian: <http://www.theguardian.com/world/2014/oct/07/isis-media-machine-propaganda-war> Last Visit: 8/7/2015